

بنام خدا

## اصول مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا

( نگاهی نو و راهی نو به زندگی سیاسی و اخلاقی ابنای بشر و سازه های انسانی )

از: دکتر محمدرضا حافظ نیا

استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس

فروردین ۱۴۰۰ / مارچ ۲۰۲۱

ژئوپلیتیک به عنوان شاخه ای از رشته جغرافیای سیاسی دارای ماهیت علمی است و همانند هر نظام علمی دیگری در سپهر معرفتی بشر، دارای دو وجه بنیادی و کاربردی است. وجه بنیادی ژئوپلیتیک به تولید نظریه های علمی و گزاره های نظری و توسعه معرفت شناسی ژئوپلیتیک می پردازد. وجه کاربردی آن ناظر بر تولید نظریه های کاربردی، الگوها و روشهای عملی ژئوپلیتیک در راستای رفع نیازهای ملتها، کشورها و جوامع بشری است. دانش کاربردی ژئوپلیتیک می تواند همانند گزاره ها و نظریه های کاربردی سایر رشته های علمی تا حدی متأثر از جهان بینی، ایدئولوژی، فرهنگ، نگرش و نیز علایق ملتها، کاربران سیاسی و حکومت ها باشد.

بنابراین دانش و معرفت ژئوپلیتیکی همانند سایر رشته های علمی بشر در ذات خود پسندیده و مفید است و برای پاسخگویی به نیازهای ملتها و ابنای بشر باید پیشرفت نماید. ولی باید سعی شود که دانش ژئوپلیتیک در هر مقیاسی اعم از جهانی، ملی و یا محلی مورد سوء استفاده حکومتها و بازیگران سیاسی قرار نگیرد. بلکه بر عکس در خدمت رفع نیازهای شهروندان، سازه های انسانی، ملت ها و جوامع بشری قرار گیرد، و حکومتها و بازیگران سیاسی نیز آن را در همین راستا بکار گیرند.

بر این اساس اینجانب (محمدرضا حافظ نیا) رویکرد نظری/ کاربردی جدیدی را در زمینه کاربرد دانش و معرفت ژئوپلیتیکی در عرصه زندگی سیاسی/ اخلاقی ابنای بشر و سازه های انسانی بویژه ملتها، تحت عنوان مکتب " ژئوپلیتیک انسانگرا " پایه گذاری و مطرح کرده ام. این دیدگاه برای اولین بار در قالب مقاله ای تحت همین عنوان توسط اینجانب در فصلنامه

ژئوپلیتیک در ایران در سال ۱۳۸۶ ش. ( ۲۰۰۷ م)، و سپس در مجله Conflits در فرانسه/ پاریس در سال ۲۰۱۵ م. (۱۳۹۴ ش) منتشر شده است. از آنجایی که این مکتب ژئوپلیتیکی مورد توجه عده ای از علاقمندان قرار گرفته و سوالات و ابهاماتی را برای آنها ایجاد کرده است، بر آن شدم تا برای وضوح بیشتر نگرش و ابعاد این مکتب فکری، اصول آنرا تدوین و در اختیار علاقمندان قرار دهم. با این امید که بتوان گامی در مسیر رنج زدایی از زندگی انسانها به عنوان برگزیدگان خالق هستی و بهسازی الگوی زیست ابنای بشر و سازه های انسانی برداشت.

### اصول مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا بطور خلاصه به شرح زیر است:

۱- ابتدای مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا بر اصل انصاف و مخالفت با زیاده خواهی قرار دارد. این مکتب معتقد است که همه افراد و سازه های انسانی بر پایه حق طبیعی که به عنوان مشیت الهی در ذات نظام تکوین و خلقت جهان وجود دارد و نیز قراردادهای اجتماعی ملی و بین المللی رسمی، باید از منابع و مزایای موجود در فضای جغرافیایی زیستگاه مربوطه و یا مشترک جهانی بهره مند شوند. بنابراین این مکتب مخالف زیاده خواهی و تعرض به حقوق دیگران است.

۲- ژئوپلیتیک انسانگرا اصالت را به صلح و همزیستی ملتها و سازه های انسانی با یکدیگر و نیز با طبیعت و موجودات آن به عنوان زیستگاه جغرافیایی آنها می دهد. تجویز کننده روابط مسالمت آمیز و همزیستی و تعاون بین کشورها، ملت ها، حکومت ها، سازه های انسانی ساکن در فضاها، جغرافیایی است و بر حفظ تعادل دینامیکی اکوسیستمهای جغرافیایی خرد و کلان برای زندگی مطلوب و بهینه انسانها تاکید می نماید.

۳- ژئوپلیتیک انسانگرا بر این نکته تاکید دارد که وجه کاربردی علم و معرفت ژئوپلیتیکی باید برای احترام به کرامت انسانها به عنوان مشیت الهی، تامین صلح و امنیت، رفاه و آسایش انسانها، آزادی اندیشه و ابراز نظر، حق انتخاب سبک زندگی شخصی و خصوصی، توسعه تاب آور و پایدار، تامین حقوق شهروندی، شاخص های زندگی برابر، عدالت فراگیر اجتماعی و جغرافیایی مورد استفاده قرار گیرد.

۴- ژئوپلیتیک انسانگرا بر پایه حق طبیعی ناشی از نظام خلقت و روابط اکولوژیکی سازه های انسانی با زیستگاه جغرافیایی آنها، اصالت را به انسانها و شهروندان می دهد، و بر این امر تاکید دارد که حقوق انسان ها و شهروندان بر حقوق حکومتها، بازیگران سیاسی و اقتصادی و کنترل کنندگان قدرت در جامعه رجحان دارد.

۵- ژئوپلیتیک انسانگرا از جنگ، خشونت و بحران سازی که تولید درد و رنج برای انسانها و نیز تخریب سرمایه ها و حیات انسان ها و نیز تخریب زیستگاه سازه های انسانی را به همراه دارد حمایت نمی کند و جنگ را ذاتا شر می داند. بلکه به دنبال توصیه راه حل های جنگ زدایی، بحران زدایی و بطور کلی رنج زدایی از زندگی انسانها است.

۶- ژئوپلیتیک انسانگرا در برابر ژئوپلیتیک امپریالیستی قرار دارد. ژئوپلیتیک امپریالیستی، بدنبال ترسیم و توجیه اهداف و اعمال توسعه طلبانه و تجاوز کارانه حکومت ها و دولت ها است. در واقع رویکرد امپریالیستی، که متاسفانه پارادایم غالب در حوزه سیاست خارجی کشورها و روابط بین الملل جهان کنونی است، اندیشه و رفتار دولتها و قدرتهای حاکم در تجاوز به فضاها و جغرافیایی و زیستگاه دیگر ملتها و سازه های انسانی و تضییع حقوق طبیعی آنها را تایید و توجیه و حتی تجویز می کند. ژئوپلیتیک انسانگرا به شدت با چنین رویکردی مخالف است و بر این باور است که باید قلمرو جغرافیایی و زیستگاه سازه های انسانی از جمله ملتها از هر نوع تعرضی مصون باشد.

۷- از نظر این مکتب فلسفه حکومتها مردم و شهروندان هستند. بنابراین ژئوپلیتیک انسانگرا حکومت، حکام و مدیران سیاسی فضا را رو بنا و مولود اراده مردم می داند، و شهروندان و مردم را به عنوان صاحبان اصلی فرایند تصمیم گیری و قانون گذاری در قلمرو زیستگاه جغرافیایی آنها، و زیربنای قدرت سیاسی و حکومت به رسمیت می شناسد.

۸- ژئوپلیتیک انسانگرا به نظر و خواست اکثریت مردم اصالت می دهد، و بر این باور است که حکومت با حفظ حقوق طبیعی و شهروندی همه افراد و سازه های انسانی، تسلیم خواست اکثریت مردم است. با این وجود حاکمیت برخاسته از اکثریت پیروز که قدرت سیاسی و قانون گذاری را در فرایند دموکراتیک بدست گرفته است باید همواره حقوق طبیعی بخش اقلیت جامعه، و نیز سازه های اقلیتی و دگر اندیشان را رعایت کند و از اعمال دیکتاتوری قانونی اکثریت بر اقلیت پرهیز نماید.

۹- در این دیدگاه، حکومت همواره خود را در معرض نقد مسالمت آمیز و آزادانه مردم قرار می دهد و از طریق شکل دادن به سازوکارهای عمومی و رسمی، مقبولیت خود را بطور دائم مورد سنجش قرار داده و در صورت سقوط آن، داوطلبانه قدرت سیاسی را رها کرده و مردم را برای تصمیم گیری سیاسی آزاد می گذارد. به عبارتی قدرت سیاسی و حاکمیت بطور مسالمت آمیز و از طریق دموکراسی حقیقی و نه قلابی جا به جا می شود.

۱۰- ژئوپلیتیک انسانگرا از تقابل و کاربرد روش های فرا قانونی و خشونت آمیز امنیتی و نظامی گرایانه با شهروندان مخالف و معترض پرهیز می نماید. همچنین برقراری حکومت نظامی و استفاده از نیروهای امنیتی غیر رسمی برای کنترل اعتراضات ولو اندک شهروندان در داخل کشورها را مورد تایید قرار نمی دهد. این دیدگاه اساسا برای برقراری حکومت نظامی در داخل کشورها هیچ فلسفه و ضرورتی قایل نیست. در همین رابطه بر نقش آفرینی قانونی و استفاده شفاف از نیروهای قانونی و رسمی امنیتی، پلیسی و قضایی تاکید می نماید.

۱۱- در این مکتب روابط حکومت با ملت و شهروندان در قالب استراتژی افناع، و سازوکار تبادل اندیشه و گفت و گوی انتقادی و سازنده و بر پایه خیر و مصلحت عمومی مردم شکل می گیرد.

۱۲- ژئوپلیتیک انسان گرا فرآیند تصویرسازی و معماری فکری و ذهنی شهروندان توسط حکومتها و بازیگران سیاسی را که از طریق رسانه ها و با چشم داشت سیاسی و توجیه و مقبولیت پذیری سیاستها و اقدامات ناشایست خود در فضاها و مکانهای جغرافیایی انجام می دهند را مورد واکاوی و افشا قرار می دهد. همچنین به نقد سیاست های قدرت حاکم که در راستای منافع و اغراض سیاسی خود مکان ها و فضاهای جغرافیایی را به بحران و نابودی می کشاند می پردازد. در واقع ژئوپلیتیک انسانگرا گفتمانها، سیاست ها، اقدامات، گزاره ها، و نظریه های شبه علمی و قرار دادن آن در خدمت سیاست و سیاستمدارانی که از رهگذر کاربرد آنها برای انسانها و بشریت درد و رنج و مصیبت می آفرینند را نقد می کند و از آنها بیزاری می جوید.

۱۳- ژئوپلیتیک انسانگرا، نه با حکومت ها و نه بر علیه حکومت هاست. بلکه در راستای حقوق، منافع و منزلت اکثریت شهروندان و خیر عمومی حرکت می کند و تا آنجا با حکومت ها همراهی می نماید که سیاست ها، برنامه ها و اقدامات آنها در مسیر صلح، امنیت همه جانبه، رفاه، پیشرفت، آسایش، آزادی اندیشه و حق انتخاب سبک زندگی، خیر و صلاح

عمومی مردم و شهروندان باشد. بنابراین ژئوپلیتیسین انسانگرا در شرایط سوء استفاده حکومتها از دانش و راهبردهای ژئوپلیتیکی، از آنها فاصله می گیرد.

۱۴- در مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا حکومتها، دولتها، نمایندگان و کارگزاران حکومتی ماهیتی وکالتی دارند. بنابراین آنها حق ندارند در باره موضوعی که زندگی و سرنوشت بیش از نیمی (۵۰ درصد) از افراد ملت و یا خانوارهای ساکن در یک فضای جغرافیایی اعم از خرد یا کلان را متاثر می کند راسا تصمیم گیری نمایند. بنابراین آنها موظفند در امور اساسی و مشترک ملی و عمومی با مراجعه به آرای عمومی (همه پرسی) و فراندوم، و بر اساس رای اکثریت مردم و شهروندان تصمیم گیری و قانون گذاری نمایند. نظیر: تعیین، تغییر و اصلاح نظام حکومتی و قانون اساسی، تعیین رئیس کشور، تعیین سران قوای سه گانه حکومتی (بویژه رئیس قوه قضائیه)، تعیین عالی ترین مقام نیروهای مسلح کشور، جنگ و صلح، سربازگیری و نظام وظیفه اجباری، وضع قوانین سخت گیرانه، تخصیص یا حذف یارانه ها، انتقال پایتخت، الحاق و انتزاع تقسیمات کشوری، خصوصی سازی ثروتهای ملی، کاربری پشتوانه های پول ملی، تغییر پول ملی، تعیین منابع درآمدی و هزینه عمومی و عمرانی حکومت، انعقاد قراردادهای خارجی دو یا چند جانبه که تعهدات ملی و سرزمینی دارند، اعمال محدودیتها عمومی مانند فیلترینگ فضای مجازی و غیر آن. خوشبختانه رای گیری الکترونیکی فرایند همه پرسی و رای گیری مستقیم از مردم و شهروندان در امور مختلف را ساده و قابل اجرا کرده است. بنابراین پیش بینی می شود در آینده نیازی به پارلمانها و مجالس قانون گذاری نباشد و مردم و سازه های انسانی مستقیما در فرایند قانون گذاری، سیاست گذاری و انتخاب هیات حاکمه و مدیران سطوح ملی و محلی مشارکت نمایند.

۱۵- ژئوپلیتیک انسانگرا بر اساس اصل دینامیسم فکری، علمی، فنی، اجتماعی، فضایی و سیاسی که در زندگی بشر وجود دارد، تاکید می نماید که در راستای روند کمال یابی جهان خلقت، زندگی ابنای بشر و سازه های انسانی باید بطور پیوسته در مسیر تکامل، نوسازی، پیشرفت و بهسازی قرار داشته باشد. از اینرو حکومتها، دولتها، رهبران سیاسی و نهاد های بین المللی ذیربط باید تمامی ساختارهای ملی و جهانی ناظر بر زیست و زندگی ابنای بشر و سازه های انسانی و ملتها را بطور پیوسته مورد بازنگری و بهینه سازی قرار دهند تا بتوانند واکنش مناسب را در رابطه با دینامیسم مزبور از خود بروز داده و زمینه فرهنگی، اجتماعی، ذهنی، فکری، سیاسی، حقوقی، اداری، اجرایی تکامل و پیشرفت

همه جانبه انسانها را فراهم نمایند. بطور مشخص باید قانون اساسی کشورها، ساختار و منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه سازمانها و نهادهای بین المللی در دوره های ۵ تا ۱۰ ساله مورد بازنگری، بهنگام سازی و بهینه سازی قرار بگیرند.

۱۶- از دید ژئوپلیتیک انسانگرا سرمایه و سرمایه گذاری عامل مهم دینامیسم علمی، فضایی، اجتماعی و سیاسی است. ولی سرمایه گذاری افسار گسیخته و معطوف به ولع سودجویی سرمایه دار و با استراتژی مشتری مداری و شارژ سازی مصرف غیر عقلایی، سرچشمه بسیاری از مصیبت ها و رنجهای بشریت و سازه های انسانی، و نیز تخریب اکوسیستمهای جغرافیایی و بنیادهای زیستی، بی عدالتی اجتماعی و فضایی/ جغرافیایی می باشد. بنابراین مدیریت و راهبری سرمایه و فرایند سرمایه گذاری در راستای منافع مردم و نیز ساماندهی زیستگاه و اکوسیستم جغرافیایی متعادل و قابل زیست و تاب آور برای سازه های انسانی بطوریکه متضمن سود آوری منصفانه و عقلایی برای صاحبان سرمایه نیز باشد اهمیت زیادی دارد. بر اساس این دیدگاه، حکومتها به عنوان نهاد مدیریت سیاسی فضا و به نمایندگی از طرف مردم در مقیاسهای محلی، ملی، منطقه ای و جهانی باید سرمایه داری و سرمایه گذاری افسار گسیخته را مهار نموده و آنرا بگونه ای مدیریت و راهبری کنند که همزمان با تامین منافع و حقوق طبیعی شهروندان، سلامت و تعادل اکولوژیک زیستگاه جغرافیایی آنان و همزیستی با طبیعت و سایر مخلوقات را نیز تضمین نماید.

۱۷- ژئوپلیتیک انسانگرا در حوزه مالکیت و الگوی فعالیت اقتصادی در جامعه، اصالت را به مالکیت خصوصی به عنوان حق طبیعی شهروندان، و نیز فعالیت اقتصادی فردی خرده پا و فعالیت اقتصادی گروهی بنگاهی و مشارکتی مبتنی بر سهامداری گسترده شهروندان می دهد. بنابراین الگوهای مالکیتی و اقتصادی کاپیتالیستی، سوسیالیستی، کمونیستی و تعاونیهای دستوری را که دچار افراط و تفریط بوده و با نابرابری اقتصادی/ اجتماعی از سویی و ابزاری شدن و سلب اختیار انسان از سویی دیگر همراه است را نفی می کند. در این مکتب دولت سالاری اقتصادی و سرمایه سالاری اقتصادی هر دو مطرود است. در الگوی پیشنهادی مزبور نقش حکومت محدود به مدیریت راهبردی اقتصاد، مشاوره، آموزش، هدایت، ارتقای دانش و فنون مدیریت بنگاه داری مدرن اقتصادی، و تنظیم فرایندهای اقتصادی کشور با محوریت نقش آفرینی اقتصادی شهروندان در تمامی بخشهای اقتصادی کشور می باشد. اهداف اصلی این الگو عبارتند از: ایجاد اشتغال کامل، توزیع متعادل ثروت در جامعه و مکانها و فضاهای جغرافیایی کشور، ایجاد فضای دیالکتیکی

همکاری و رقابت سالم، اصالت دادن به نقش مردم و شهروندان در اقتصاد، توسعه مشارکت ملی در فعالیتهای و پویایی اقتصادی کشور، فرآوری مزیت‌های اقتصادی مکانی و فضایی در مناطق مختلف کشور، نقش آفرینی اقتصاد ملی در اقتصاد بین الملل، کوچک شدن ساختار سازمانی حکومتها و کاهش هزینه های ملی، مشارکت معنی دار و منطقی شهروندان در تامین هزینه های کشورداری از طریق سیستم مالیاتی، بالا بردن سطح آزادی اندیشه و عمل اقتصادی شهروندان، شکوفایی استعدادهای فعالین اقتصادی در جامعه و غیر آن.

۱۸- ژئوپلیتیک انسانگرا تنش زدایی در روابط کشورها، ملتها و سازه های انسانی را یک اصل و ضرورت اساسی در جهت توسعه صلح، همزیستی و امنیت می داند. بر این اساس استراتژی گفتگو، تعامل سازنده و دیپلماسی برای تنش زدایی را مورد تاکید قرار داده و آن را به حکومتها و رهبران کشورها، ملتها و سازه های انسانی توصیه می نماید.

۱۹- ژئوپلیتیک انسانگرا از سیاست نظامی گری در روابط بین کشورها و ملتها حمایت نمی کند، و قایل به فلسفه بازدارندگی و تامین امنیت ملی توسط نیروهای نظامی است. این رویکرد بر این باور است که هستی و قدرت نیروی های نظامی در کشورها یک ضرورت است و وجود آن را لازمه صلح و بازدارندگی از تهاجم و جنگ می داند. اما به شدت مخالف سیاستها و اقدامات حکومتها و دولتها در استفاده ابزاری از نیروهای نظامی علیه دیگر ملتها و کشورها می باشد. بر این اساس با حضور و کاربری نیروهای نظامی کشورها در خارج از قلمرو جغرافیایی آنها مخالف است. مگر در قالب نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد.

۲۰- ژئوپلیتیک انسانگرا با توجه به روند فزاینده وابستگیهای متقابل مکانها و فضاهای جغرافیایی و نیز توسعه شبکه ها و سیستمهای کارکردی جهان در مقیاس کروی، قایل به یکپارچگی مدیریت سیاسی فضای جهانی در کره زمین و ماورای آن است. بر این اساس انحلال سازمان ملل متحد کنونی که تاریخ مصرف آن سپری شده را توصیه نموده و بجای آن استقرار الگوی مدیریت مشارکت بین المللی مبتنی بر دموکراسی جهانی را پیشنهاد می نماید. نمونه تجربی این الگو پارلمان اتحادیه اروپا است که در مقیاس منطقه ای عملیاتی شده است.

۲۱- ژئوپلیتیک انسانگرا در راستای حقوق و منافع مردم و شهروندان با هر نوع دیکتاتوری رنج آور مخالف است و قایل به تحقق موارد زیر می باشد: حق آزادی اندیشه و ابراز نظر تا حدی که مخل حقوق دیگر شهروندان نباشد، حق مطلق

انتخاب سبک زندگی و الگوی زیست خصوصی و شخصی، حق برخورداری از خدمات اجتماعی مشترک، حق تامین نیازهای اساسی مادی و معنوی، حق پرسش و دریافت پاسخ اقناع کننده از حکام و سیاستمداران، حق امنیت جانی و مالی، کرنش حکومت و مدیران سیاسی فضا در برابر مردم و شهروندان، توزیع فضایی / جغرافیایی متعادل قدرت سیاسی و اقتصادی، تمرکز زدایی سیاسی و اجرایی، ساده سازی و کوچک سازی دستگاههای حکومتی و فرایندهای اداری، حقوقی، سیاسی و اجرایی، به حد اقل رساندن بوروکراسیهای اداری و سازمانی. بنابراین از هر نوع دیکتاتوری سنتی و مدرن اعم از دیکتاتوری های سازمانی و اداری، سیاسی، قانونی، حقوقی، فرهنگی، فردی، گروهی، اکثریتی، اقلیتی، ایدئولوژیکی، نخبگی، کاریزمایی، فنی، تکنیکی، الکترونیکی، دیجیتالی و غیر آن که موجبات رنج و آزار روحی و جسمی مردم و شهروندان را فراهم نماید بیزاری می جوید.

۲۲- ژئوپلیتیک انسانگرا با تداوم ساختارها، ارزشها، سنتها و باورهای ذهنی / تاریخی و الگوهای اجتماعی و فرهنگی که جنبه محافظه کارانه داشته و مانع آزادی، پیشرفت و تکامل اندیشه و سبک زندگی بشر بوده و موجبات رنج و گرفتاری سازه های انسانی و نیز تخریب زیستگاه جغرافیایی آنها را فراهم می کند مخالف می باشد. این مکتب بر این باور است که وظیفه نخبگان علمی و اجتماعی است که با آزاد اندیشی، شهامت و پیشگامی ساختارها و الگوهای مذکور را بهینه سازی نموده و یا از متن اندیشه اجتماعی بزدایند، و راه را برای آزادی اندیشه و الگوی زیست و تداوم روند ذاتی پیشرفت و تکامل زندگی بشر فراهم کنند.

۲۳- مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا بظاهر آرمان گرایانه به نظر می رسد. لکن با توجه به تجارب بشری، آرمان ها در بستر زمان و بطور تدریجی در بطن جامعه رشد نموده و به صورت اندیشه و ارزش مشترک و خواست و اراده عمومی مردم و شهروندان تجلی پیدا نموده و به واقعیت تبدیل می شوند. کما اینکه مصادیق متعددی از نمودهای وجه کاربردی ژئوپلیتیک انسانگرا هم اکنون در جهان وجود دارد، که در چهارچوب این مکتب می تواند توسعه یافته و تقویت شود. مانند کنوانسیونهای مشارکتی بین المللی، قراردادهای منصفانه بین المللی در خصوص بهره برداری از منابع آبی و بنیادهای زیستی، تشکیل اتحادیه و پارلمان اروپا، کنفرانسهای منطقه ای و بین المللی برای حل بحرانهای سیاسی و ژئوپلیتیکی، الگوی کشورداری و مدیریت سیاسی فضا در برخی کشورها نظیر سوئیس، آلمان، نیوزیلند، ژاپن و سنگاپور. اندیشه و کردار انسانگرایانه برخی رهبران و بازیگران سیاسی در جهان.



۲۴- رویکرد ژئوپلیتیک انسانگرا یک نیاز اساسی برای ابنای بشر و سازه های انسانی از جمله ملتها در جهان امروز و آینده است. رویکردی است برای نجات انسانهای خسته از بحران ها، ناکامی ها، رنج ها، بی نوایی ها، نابرابری ها، بی عدالتی ها، عوام فریبی ها، دروغ ها، تخریبها و ستم هایی که کج روی حوزه های سیاست، اقتصاد و ایدئولوژی برای بشر ایجاد کرده و می کند. همچنین رویکردی است برای مهار و کنترل اندیشه و عمل حکومت ها و بازیگران سیاسی با هدف خلق الگوی زیست و زندگی مطلوب و متناسب با شان و کرامت انسان ها که هدیه خداوند و خالق هستی به آنهاست.

دکتر محمدرضا حافظ نیا

تهران - فروردین ۱۴۰۰ / مارچ ۲۰۲۱